



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکاری حوزه سیب و وزارت امور اقتصادی و دارایی

سقوط سید ساله



سقوط سیصدساله

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی استاد سید امیرحسین حسینی
در رویداد هجرت ۲؛ روایت فتح می باشد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: سقوط سیصد ساله

سخنران: استاد سید امیر حسین حسینی

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: وضعیت مسکن، گرسنگی جهانی، افسردگی، فرزندان نامشروع،

شناسه گزارش: ۴۰۲۱۲۱۹۱۶۲۰

تاریخ نشر: اسفندماه ۱۴۰۲

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاماً نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.



فهرست مطالب

- ۱..... بررسی وضعیت مسکن در دنیا.
- ۲..... خط فقر.....
- ۴..... بررسی وضعیت بهداشت جهانی.
- ۵..... وضعیت گرسنگی در جهان.....
- ۶..... وضعیت افسردگی در جهان.....
- ۶..... وضعیت فرزندان نامشروع در جهان.....



سقوط سیصد ساله

باسمه تعالی

پیش‌تر با مبانی اقتصادی انقلاب اسلامی آشنا شدیم و «نه به لیبرالیسم» را شنیدیم؛ اکنون می‌خواهیم پیامدهای اجرای لیبرالیسم اقتصادی در دنیا را بررسی کنیم تا دریابیم وضعیت اقتصادی دنیا در امور اساسی مردم چگونه است.

ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم متوجه شویم که آیا ۱۳ نمره خوبی برای دانش‌آموز است یا خیر! نمره ۱۳ چه چیزی را به ما نشان می‌دهد و جایگاه آن فرد کجاست؟ نمره ۱۳ جایی معنا می‌یابد که بدانیم بقیه نمره‌ها چگونه است و سختی آزمون، کارکرد معلم با آن فرد و میزان تلاش‌های خود شخص را سنجیده باشیم تا بتوانیم مقایسه کنیم.

بررسی وضعیت مسکن در دنیا

ابتدا مسکن را در دنیا و سپس در ایران با هم مقایسه می‌کنیم.

بنده وقتی در حوزه مسکن سؤال می‌کنم که چند سال طول می‌کشد تا در ایران صاحب‌خانه شویم، با این پاسخ‌ها مواجه می‌شوم: ۱۰۰ سال، ۲۰۰ سال، در دوزخ و برزخ، در خواب ببینیم و الفاظی از این دست. خوش‌بین‌ترین انسان‌ها در ایران در جلسه‌های گوناگون اعدادی بین ۵۰ تا ۶۰ سال و در پایین‌ترین حالت ۴۰ سال را بیان می‌کنند. وقتی می‌پرسم چند درصد از ایرانی‌ها مالک مسکن هستند، ۲۰، ۳۰ و ۴۰ درصد ذکر می‌شود و از این‌ها فراتر نمی‌رود.

وقتی در مورد کشورهای خارجی این سؤال را مطرح می‌کنم، این اعداد کاملاً متغیر می‌شود و ۸۰ تا ۹۰ درصد را از مردم می‌شنوم. آنان صاحب مسکن هستند و مردم راست می‌گویند.

در رسانه دائم این اعداد تکرار می‌شود؛ مثلاً «اعتماد آنلاین» به نقل از بانک مرکزی بیان کرده است که در ایران ۱۳۵ سال طول می‌کشد تا کارگران صاحب‌خانه شوند. یا «انجمن ملی لیزینگ» بیان کرده است که خانه‌دار شدن کارگران ۱۰۹ سال طول می‌کشد؛ و اگر این عدد بالای ۱۰ سال باشد، اوضاع فاجعه‌بار است. این آمار، میزان مالکیت مسکن در کشورهای اتحادیه اروپاست.

معمولاً در بحث‌ها گفته می‌شود که در دنیا این‌گونه و این خبرها نیست یا در دنیا اتفاقات دیگری در حال رخ دادن است. واژه «دنیا» یعنی حدود ۲۱۰ کشور با ۲۱۰ شرایط مختلف! و به‌طور جزئی‌تر، گفته می‌شود که اروپا این‌طور نیست. «اروپا» یعنی ۲۶ کشور با ۲۶ شرایط کاملاً متفاوت!

هرگاه کسی مثالی درباره‌ی خارج از کشور می‌زند، به او بگویید که دقیقاً کدام قاره، کدام کشور، کدام موضوع، کدام فرد، در چه سطح و چه طبقه‌ی شغلی را با آدم‌های ایران مقایسه می‌کند و ۱۰ کشور نیز مثال بزند.



سقوط سیصد ساله

وضعیت مسکن در اروپا از ۵۰ تا ۹۶ درصد متغیر است. تقریباً از شماره ۱ تا ۱۲ جدول، کشورهای کوچک اروپایی و در اصطلاح مثل گونه، کشورهای کیش و قسمی هستند که از نظر جمعیت و مساحت چندان با ایران قابل مقایسه نیستند. اما از کشور ۱۳ تا ۲۶ بعضی از کشورها را می‌توان با ایران مقایسه کرد؛ آلمان، فرانسه، یونان، پرتغال، اسپانیا و کشورهای کوچک‌تری مثل دانمارک و اتریش در این بازه قرار دارند که اعدادشان بین ۵۰ تا ۷۷ درصد و کمترین این کشورها آلمان است.

در شرق آسیا، در کشور ژاپن ۶۱/۲ درصد میزان مالکیت مسکن وجود دارد. نقشه جهانی اجاره می‌گوید که سونیس اجاره‌نشین‌ترین کشور دنیاست و ۵۶ درصد مردم این کشور اجاره‌نشین هستند. سخت‌ترین شهرها در دنیا برای خرید مسکن در این جدول معرفی شده‌اند و گفتنی است که نام شهرهای ایران در آن نیست.

وقتی در مورد مسکن صحبت می‌کنیم، درباره موضوع مشابهی در ایران و کشورهای اروپایی سخن نمی‌گوییم. در کشورهای اروپایی خانه‌های یک‌متری، فلت، چرخشی، اشتراکی و آلونکی نیز مسکن به حساب می‌آیند؛ چیزهایی که در ایران، حتی در کم‌بهره‌ترین افراد از مسکن، نیز مشاهده نمی‌کنیم و اصلاً چنین تصویری از مسکن نداریم.

به‌نقل از LABC میانگین متراژهای گوناگون مسکن در انگلستان در دهه‌های مختلف ۴۴ متر بوده است. این آمار بدون احتساب خانه‌های یک‌متری، دو‌متری، پنج‌متری و خانه‌های اشتراکی است؛ با احتساب این خانه‌ها، میانگین متراژ مسکن در انگلستان ۲۵ متر مربع است. توزیع مالکیت خانه براساس سن در انگلستان اعداد عجیب و غریبی دارد که فقط ۱/۵ درصد از مالکان خانه در بازه سنی ۲۵ تا ۳۵ قرار دارند و ۶۲ درصد از مالکان خانه پس از ۶۵ سالگی صاحب خانه شده‌اند. این عدد بسیار عجیب است و چنین شرایطی را در ایران تجربه نمی‌کنیم. میزان مالکیت مسکن در ایران ۷۷ درصد و به‌طور میانگین، تا حدی فقر را پوشش داده است. طبق آخرین آمار سرشماری نفوس و مسکن در ایران، متراژ مسکن ۱۶۰ متر مربع است که ۹۰ درصد واحدهای مسکونی بیش از ۵۰ متر و ۷۰ درصد بیش از ۷۵ متر مساحت دارد.

مسکن در ایران و اروپا دو مقوله متفاوت‌اند. تقریباً ۹۰ درصد ایرانی‌ها در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که از میانگین متراژ مسکن در اتحادیه اروپا بزرگ‌تر است. از این بحث بگذریم که در ایران چقدر فقیر داریم و در اروپا چقدر؛ و در ایران خط فقر چقدر است و در دنیا چقدر!

خط فقر

اگر دوباره از مردم بپرسیم که خط فقر در ایران چقدر است، اعداد بین ۱۸ تا ۳۰ میلیون تومان را مطرح می‌کنند.



سقوط سیصد ساله

وقتی می‌پرسیم چند درصد از ایرانی‌ها فقیر هستند، با اعدادی نجومی روبه‌رو می‌شویم. بیان این عدد در میان مردم درباره کشورهای خارجی کاملاً معکوس می‌شود.

بسیاری از مخاطبان این بحث کمتر از ۱۰-۱۲ میلیون تومان درآمد دارند و مطمئن هستم که هیچ‌کدام فقیر نیستند، به این معنا که نتوانند خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و مسکنشان را تأمین کنند.

کسانی در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفته‌اند که مثلاً خط فقر در تهران ۳۲ میلیون تومان و در روستاها ۱۵ میلیون تومان درآمد ماهیانه است. یا مثلاً شخصی گفته بود که خط فقر ۱۸ میلیون تومان است و علت آن را نیز این‌گونه بیان کرده بود: سبد معیشتی را از ilo گرفته و از دلار به ریال تبدیل کرده‌ایم که اگر بخواهیم آن سبد را در ایران تهیه کنیم، باید ۱۸ میلیون تومان بپردازیم. اما این اعداد ارقام بی‌اساس هستند.

طبق آمار رسمی یورو ۲۱/۷ درصد از جمعیت اتحادیه اروپا در فقر و طردشدگی از اجتماع به سر می‌برند. این رقم در کشورهای گوناگون اروپا تا ۳۴ درصد نیز بالا رفته است؛ یعنی در حال حاضر نزدیک به ۱۰۰ میلیون نفر در اتحادیه اروپا فقر و طردشدگی اجتماعی را تجربه می‌کنند.

در یک شهر کوچک و معمولی آمریکا، به نام مسکو، شش هزار بی‌خانمان طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ جان خود را در خیابان‌ها از دست دادند؛ یعنی به‌طور میانگین شبی یک الی سه نفر! آمریکا حدود ۷۰۰ هزار بی‌خانمان خیابان‌خواب دارد که در طول سال سقف بالای سرشان نمی‌بینند. این آمار غیر از ماشین‌خواب‌ها، متر و خواب‌ها، پناهگاه‌خواب‌ها، گرم‌خانه‌خواب‌ها و ساکنان خانه‌های یک‌متری تا پنج‌متری و خانه‌های اشتراکی است. هر شب تعداد قابل توجهی انسان در خیابان‌های آمریکا، به‌خصوص در ایام سرد سال، جان خود را از دست می‌دهند. تصویرهایی از کمپین‌هایی وجود دارد که برای کسانی که در خیابان مرده‌اند، شمع روشن می‌کنند.

روزنامه گاردین (The Guardian) آمار اخیر انگلستان را منتشر کرد که در ماه گذشته، بیش از هزار نفر براهر سرما در خیابان‌ها مرده‌اند و فقط شیکاگو ۶۰ هزار چادرخواب دارد. به‌اندازه جمعیت یک شهرستان، فقط در یک شهر چادرخواب وجود دارد که خیلی دردناک است.

دائم در فیلم‌ها از برج‌های دوقلو به ما تصاویری نشان می‌دهند؛ اما هیچ‌گاه از زاغه‌نشینی و بی‌خانمانی و چادرخوابی‌ها، که با آن برج‌ها فاصله‌ای ندارند، فیلمی نشان نمی‌دهند.

در نقشه جهانی بی‌خانمانی دنیا فقط چهار کشور سبز هستند. ایران و روسیه کمترین بی‌خانمان در دنیا را دارند. در آخرین آماري که از ایران منتشر شده، رئیس پلیس پیشگیری گفته است که ما ۲۰ هزار نفر بی‌خانمان داریم که



سقوط سیصد ساله

آنان را پوشش داده‌ایم. عملاً جنس بی‌خانمانی در ایران با کشورهای دیگر متفاوت است. الحمدلله، به برکت نظم اجتماعی و دینی، در گرم‌خانه‌ها غذای گرم و خدمات بهداشتی به بی‌خانمان‌ها داده می‌شود. بنده در شهرهای بسیاری برای گفت‌وگوهای اقتصادی حضور داشته‌ام. در یکی از آن شهرها دمای هوا منفی ۲۰ درجه و یک متر برف روی زمین نشسته بود. منطقهٔ ثروتمندی نبود و جزء مناطق حاشیهٔ مرزی بود. از حاضران پرسیدم: کسی هست که امشب در این هوای سرد بیرون خوابیده باشد؟ کمی ناراحت شدند و گفتند که اصلاً چنین چیزی ندارند. پرسیدم: تاکنون کسی را داشته‌اید که زیر برف یخ بزند و بمیرد؟ اصلاً تصویری از این موضوع نداشتند. اما این چیزی است که در تمام دنیا، در تمام اروپا و آمریکا، در حال اتفاق افتادن است.

بررسی وضعیت بهداشت جهانی

مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری تحت نظر وزارت بهداشت آمریکا (CDC) به نقل از سازمان ملل دربارهٔ بهداشت اولیه و سطح دسترسی مردم به بهداشت آماری را منتشر کرد.

وقتی در مورد بهداشت اولیه صحبت می‌کنیم، منظورمان این است: آیا مرکز بهداشت در روستاهای محرومان دور است یا نزدیک؟ سطح دسترسی مان به بیمارستان یا امکانات بهداشتی چقدر است؟ چه مسافت و چقدر زمان احتیاج است تا به آن مرکز برسیم؟ آیا پزشک متخصص خوب در آن شهر وجود دارد یا باید به پایتخت برویم؟ جنس نگهداری و سرویس‌دهی پرستاران بیمارستان خوب است یا بد؟ آیا دارو گران است یا ارزان؟ تعریفمان از بهداشت اولیه این‌هاست.

طبق آمار CDC حدود ۱/۷ میلیارد نفر در دنیا فاقد بهداشت اولیه هستند؛ به این معنا که امکان دسترسی به دفع ایمن زباله‌های انسانی، ادرار و مدفوع و امکانی برای شستن دست با آب و صابون ندارند! و حدود ۳/۶ میلیارد نفر، یعنی حدود نیمی از جمعیت دنیا، در منزل خودشان سرویس بهداشتی ندارند؛ در حالی که ما تصویری از این تجربه در ذهنمان نداریم. نزدیک به ۵۰۰ میلیون نفر در دنیا در فضای باز عمومی دستشویی می‌کنند و این تصویرهای زشت و زنده در اروپا و آمریکا پخش می‌شود؛ ولی ما تصویری از این موارد در کشور خود نداریم.

طبق آمار یورو ۱۵ درصد از خانه‌های اروپایی فاقد دستشویی و حمام هستند. چند دلیل وجود دارد: یکی از آن‌ها دلایل اقتصادی موضوع مسکن است. عده‌ای نمی‌توانند در خانه‌شان دستشویی داشته باشند؛ زیرا باید برای دستشویی چاهی کنده شود که گاهی اوقات چاه از خانه‌شان بزرگ‌تر است!



سقوط سیصد ساله

وضعیت گرسنگی در جهان

طبق آمار رسمی WHR بیش از دو میلیارد نفر دسترسی منظم به غذا ندارند. کنگره آمریکا در گزارشی رسمی مطرح کرده است که ۴۹ میلیون نفر در آمریکا گرسنه‌اند؛ به این معنا که اگر وعده‌ای غذا بخورند، نمی‌دانند که آیا وعده غذایی بعدی را می‌توانند بخورند یا خیر؛ و اگر می‌توانند بخورند، باید چه چیزی بخورند و چه تدبیری برای آن بیندیشند. از وعده غذایی بعدی شان بی‌اطلاع هستند!

طبق آمار فائو (سازمان بین‌المللی غذا) گرسنگی جهان را می‌توان با ۲۲۰ میلیارد دلار از بین برد. در سال ۲۰۱۸ بودجه دفاعی آمریکا ۶۶۸ میلیارد دلار بوده است. اگر آمریکا فقط یک سال به سربازانش مرخصی بدهد، به دنبال نفت خاورمیانه، معادن افغانستان و ثروت‌ها و منابع آفریقا نباشد، یک سال نجنگد و آتش‌افروزی نکند، آنگاه برای سه سال در جهان گرسنگی نخواهیم داشت و اگر مدیریت آن را به ما بدهند، با تدبیری می‌توانیم تا ۱۰ سال گرسنگی جهان را پوشش دهیم.

در سال ۲۰۲۲ متوسط درآمد سالانه کارمندان تمام‌وقت در انگلستان ۳۳ هزار پوند و متوسط هزینه‌های زندگی ۳۶ هزار پوند بود؛ یعنی سه هزار پوند در سال کسری می‌خورد و دخل و خرج عمومی مردم جامعه انگلستان در قشر کارمند همخوانی نداشت.

طبق آمار رسمی مرکز ملی آمار، سال ۱۴۰۰ متوسط درآمد سالانه خانوار شهری در ایران ۱۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و میانگین هزینه خانوار شهری حدود ۹ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان بوده؛ و میانگین درآمد خانواده روستایی ۶ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان و میانگین هزینه‌ها حدود ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بوده است. تقریباً در سطح میانگین، دخل و خرج ما با هم تناسب دارد.

با بافت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی ایران می‌توانیم فقر، به معنایی که در دنیا حاکم است، را پوشش دهیم. معنای فقر در ایران متفاوت است؛ ولی با معنای متفاوت تقریباً هر خانواده در ایران حدود ۱/۵ تا ۳ میلیون تومان، بسته به تعداد جمعیت خانواده، یارانه دریافت می‌کنند. همچنین رقمی در همین حدود نیز از مراکز حمایتی، مثل کمیته امداد و بهزیستی، و کنار آن‌ها بسته‌های معیشتی اجتماعی دریافت می‌کنند. بافت مذهبی مانند مساجد و هیئت‌ها و خیریه‌ها نیز از خانواده‌ها حمایت می‌کنند. در ایران جنس فقر با اروپا فرق می‌کند.

شاید فقیران اروپا دوست داشته باشند در ایران فقیر باشند که غذای رایگان بخورند، گاه برایشان مسکن ساخته شود، از تحصیل رایگان استفاده کنند، خدمات بهداشتی رایگان داشته باشند، سفر بروند و مواردی از این دست.



سقوط سیصد ساله

آمار بعدی، آمار برخورداری مردم ایران از وسایل عمده زندگی مانند اتومبیل، دوچرخه، تلویزیون، یخچال‌فریزر ... است که نشان می‌دهد، در پایه بسیار بالایی قرار دارد.

وضعیت افسردگی در جهان

هفته‌نامه اکونومیست به نقل از «یورو استد» می‌گوید که از هر چهار نفر، یک نفر در اروپا افسردگی مزمن دارد و افسردگی عامل خودکشی است و سالانه ۱۲۰ هزار نفر در اروپا به این جهت جان خود را از دست می‌دهند. یونیسف آماری را منتشر کرده که خودکشی دومین عامل مرگ‌ومیر جوانان اروپایی است و پسران دوبرابر دختران خودکشی می‌کنند. تقریباً از هر پنج پسر اروپایی ۱۵ تا ۱۹ ساله، یک نفر دچار اختلالات روانی است و ۹ میلیون نوجوان ۱۰ تا ۱۹ ساله با اختلالات روانی زندگی می‌کنند. نیمی از این موارد را اضطراب و افسردگی شکل داده است. هیچ‌گاه جامعه مرفه آسوده‌خاطر، با آن ایدئال رؤیایی که در ذهنمان از اروپا داریم، نباید با چنین مشکلاتی دست‌وپنجه نرم کند.

وضعیت فرزندان نامشروع در جهان

«یورو استد» از سهم کودکانی که خارج از ازدواج متولد شده‌اند، آماری را منتشر کرده است: در اتحادیه اروپا این عدد از ۲۳ درصد در سال ۱۹۹۸ به ۳۴/۶ درصد در امسال رسیده است. در فرانسه ۶۰ درصد، بلغارستان ۵۸ درصد و کرواسی ۲۰ درصد، کمترین کشوری بوده که ثبت شده است. مشخص است در چنین جامعه‌ای وقتی چتر حمایت خانواده، اقوام و آشنایان و محیط اجتماعی بالای سر فرزندان نباشد، آنان چه زندگی‌ای را تجربه می‌کنند. ما برای امروز جوامع غربی بسیار ناراحت هستیم و برای آنان دعا می‌کنیم و امن‌یجیب می‌خوانیم. برای کمک به آنان گروه‌های جهادی و حمایت‌های مردمی می‌فرستیم، به امید اینکه مشکلات مظلومان جهان حل شود.



«خلق پول خصوصی» در مقابل «خلق پول عمومی» قرار دارد و ایده جدیدی است برای اینکه نظم بدیلی را در برابر نظم پولی کنونی مطرح کنیم. اگر همه اصطلاحات و ایسم‌های تخصصی اقتصادی و فلسفی را کنار بگذاریم، از منظر دسته‌بندی نظام‌های اقتصادی، یک‌سری از نظام‌ها به سمت توزیع همگانی مواهب اقتصادی حرکت می‌کنند؛ از سوی دیگر، نظام‌هایی به سمت تصاحب مواهب اقتصادی به نفع عده‌ای محدود شکل یافته‌اند؛ مثل بانک‌ها. در حالی که تنها راه برای همگانی کردن اعتبار و پول، ملی‌سازی نظام پولی است.